

رسانه ها و نظارت بر حکومت در عصر دموکراسی

سرمقاله

چین و پیشنهاد مذاکرات سه جانبه اقتصادی

حفیظ الله زکی

جنگ و بحران امنیتی در افغانستان صرف یک مشکل داخلی نیست که گروهی به منظور برهم زدن نظم و امنیت و یا به هدف دستیابی به قدرت در برابر حکومت بجنگند. جنگ افغانستان جنگ استخبارات منطقه است. جنگ افغانستان جنگ نیابتی کشورهای خارجی است که تأمین منافع خودشان را در ادامه جنگ و ناامنی در افغانستان جستجو می کنند. به همین دلیل تا زمانی که کشورهای ذینفع در مسایل افغانستان به یک توافق مشترک برای تأمین امنیت و ختم جنگ در افغانستان نرسیده باشند، نظم و امنیت در این کشور به وجود نمی آید.

امروزه تمام گروه های مسلحی که در این کشور می جنگند و در خلق نا امنی و اغتشاش دخالت دارند، از سوی حلقه های استخباراتی کشورهای منطقه حمایت می شوند. این گروه ها به گونه گسترده با سلاح های مدرن و پیشرفته مجهز می شوند و به گونه عصری مسایل گوناگون نظامی را آموزش می بینند. از اینرو مبارزه با این گروه ها نیازمند یک حکومت مقتدر و قوی و یک ارتش و پولیس مسلحی و آموزش دیده است که در همه حالات بتوانند در برابر هراس افگنان بجنگند.

افغانستان با برخی کشورهای همسایه اختلافات طولانی مدت مرزی دارد و با برخی دیگر بر سر آب اختلاف دارد و رقابت های اقتصادی نیز گاهی سبب می شود که کشورهای دیگر تمایل به صلح و ثبات در افغانستان نشان ندهند. زیرا تصور می شود در صورتی که امنیت در این کشور تأمین گردد، بسیاری از فرصت های اقتصادی و ترانزیتی از کشورهای دیگر گرفته می شود. این اختلافات سایه اش را بر مناسبات سیاسی و حتا اقتصادی میان افغانستان و همسایه ها گسترانده است. از سوی دیگر افغانستان گاهی ناخواسته قربانی رقابت های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ایدئولوژیکی کشورهای دیگر منطقه و جهان می گردد.

به این معنا که کشورهای دیگر به منظور تضعیف رقبای منطقه ای و بین المللی خود، سعی می کنند، منافع کشور های رقیب را در افغانستان با خطر مواجه سازد. این امر سبب می شود که کشورهای دیگر نیز اقدام به عمل به مثل کرده و گروه دیگری را به منظور به مخاطره انداختن منافع آنها مورد حمایت قرار دهند. حل اختلافات سیاسی و جغرافیایی با کشورهای منطقه از یک طرف بسیار پیچیده و حساس است و از سوی دیگر بسیار زمانبر می باشد. بنابراین اگر فرصت های اقتصادی و تجاری موجود را به دلیل اختلافات سیاسی و جغرافیایی از دست بدهیم، ممکن است فرذا هیچ وقت در باره این گونه مسایل به توافق نرسیم.

افغانستان به دلیل ضعف ها و ناپایداری های که دارد، نمی تواند از منافع خودش در منطقه و جهان دفاع کند و یا دیگران را به تقبل یک سیاست مشخص منطقه ای تشویق کند. بنابراین این کشور بیش از پیش به همکاری های منطقه ای و بین المللی نیازمند است. این همکاری و هماهنگی از سوی هر کشوری و محور هر پدیده ای به وجود بیاید، به نفع افغانستان است و افغانستان می تواند از منافع آن سود ببرد.

همانگی منطقوی حول دو محور می تواند راحت تر شکل بگیرد. یکی بر محور مسایل امنیتی و مبارزه با تروریسم. دیگری بر محور مسایل اقتصادی و اقتضات جدید تجاری و ترانزیتی. اکثر کشورهای منطقه از تروریسم هراس دارند و تروریسم را یک تهدید جدی برای خودشان می دانند، افغانستان به عنوان کشوری که در خط مقدم مبارزه با تروریسم قرار دارد، می تواند نظر کشورهای دیگر را به این موضوع جلب کند.

همه کشورهای منطقه، توسعه روابط تجاری و اقتصادی را به نفع اقتصاد شان می دانند. موقعیت جغرافیایی افغانستان خود بخود این کشور را در محراق مذاکرات دوجانبه و چند جانبه اقتصادی قرار می دهد. افغانستان با انجام توافقات تجاری با کشورهای منطقه می تواند، از یک سو رقبای سیاسی خود را تحت فشار قرار دهد و از سوی دیگر با گسترش مناسبات اقتصادی میان کشورهای منطقه، اختلافات سیاسی و جغرافیایی افغانستان با همسایه ها تحت الشعاع قرار گیرد. چین با قدرت و توان اقتصادی و نظامی که در سطح منطقه و جهان دارد، می تواند یک گزینه خوب برای ایجاد همکاری های منطقه ای باشد.

«نی» حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان، سخنان رئیس جمهور غنی در میان نیروهای امنیتی در قول اردوی ۲۰۹ شاهین را توهین به رسانه ها دانسته است و از رئیس جمهور خواسته است که از رسانه های افغانستان عذر خواهی کند. رئیس جمهور غنی در سفر روز چهارشنبه اش به شهر مزار شریف، به قول اردوی ۲۰۹ شاهین رفت و برای نیروهای امنیتی سخنرانی کرد. او در این سخنرانی اش از نیروهای امنیتی کشور تشکر کرد و گفت به قضاوت های رسانه ها بی توجه باشند. رئیس جمهور غنی به این سربازان گفت: «تلویزیون ها را یک طرف بگذارید، بگذارید از آنها باد برآید. از شما بمب می برآید».

در اعلامیه ی که از سوی «نی» منتشر شده آمده است: «نی حمایت کننده ی رسانه های آزاد افغانستان از رئیس جمهوری کشور می خواهد تا از مسئولان و کنارکنان تلویزیون ها و خانواده های مطبوعات کشور معذرت بخواهد.» این نهاد همچنان گفته است که از یک رئیس جمهور تلویزیون و تحصیل یافته توقع نمی رفت تا با اظهارات این چنینی به رسانه ها و در کل به آزادی بیان در این کشور، اهانت کند. دیده بان رسانه های آزاد افغانستان همچنان تأکید کرده است که رسانه های آزاد افغانستان همانند نیروهای امنیتی در سنگر مبارزه با تروریسم می جنگند و در این راه طی یک و نیم دهه قربانی داده اند و نادیده گرفتن این قربانی ها از سوی حکومت مایه تاسف است.

انتقادات از سخنان اخیر رئیس جمهور غنی در حالی مطرح می شود که او پیش از این بارها بر حمایت از رسانه ها و آزادی بیان تأکید کرده است و حتی گفته است آزادی بیان قابل معامله نیست. همچنان برای اولین بار در تاریخ افغانستان قانون دسترسی به اطلاعات، بخاطر دسترسی بهتر خبرنگاران به منابع اطلاعاتی، از سوی رئیس جمهور غنی توشیح گردید. اما چرا دیدگاه رئیس جمهور در مورد رسانه ها و بخصوص تلویزیون ها، به

یکباره ۲۶۰ درجه تغییر کرد و چنین انتقادی تند و زنده از رسانه های دبداری کشور نمود؟ مناسبات رسانه و قدرت همواره پر چالش و پر فراز و نشیب بوده است. همسویی قدرت و رسانه، به تثیب جایگاه حکومت و قدرت سیاسی در افکار عامه کمک کرده است، اما از سوی حکومت با انتقادات جدی مواجه شده است و برنامه های حکومت سیاسی همواره چالش برانگیز بوده است و توانسته است اعتماد مخاطبان خود را نسبت به حکومت دچار تغییر کند. در افغانستان رابطه ی شفافیتی بین رسانه و قدرت وجود نداشته است، تنها در یک و نیم دهی از اخیر است که از رسانه های آزاد و مستقل بصورت جدی حرف زده می شود. پیش از آن علاوه بر اینکه رسانه ها به گستردگی امروز وجود نداشته است، اعمال محدودیت و کنترل بر رسانه نیز یک امر عادی بوده است و به رسانه های منتقد فرصت ظهور داده نشده است.

یک و نیم دهه ی اخیر، رشد رسانه ها در افغانستان به عنوان یک دست آورد حکومت به شمار می رود. رسانه ها در این دوره، توانسته اند جایگاه ویژه ی در بین مردم افغانستان بخود اختصاص بدهند و

مهدی مدبر



مخاطبان خاص خود را پیدا کنند. همچنان نقش آنها در راستای تأمین دموکراسی و مردم سالاری و در کنار حکومت افغانستان در راستای مبارزه با افراطگرایی، برجسته و برانزده بوده است. اما در کنار اینها، در برنامه های رسانه های دبداری و در ستون های رسانه های چاپی کشور، همواره حکومت با انتقادات جدی مواجه شده است و برنامه های حکومت سیاسی همواره چالش برانگیز بوده است و توانسته است اعتماد مخاطبان خود را نسبت به حکومت دچار تغییر کند. در افغانستان رابطه ی شفافیتی بین رسانه و قدرت وجود نداشته است، تنها در یک و نیم دهی از اخیر است که از رسانه های آزاد و مستقل بصورت جدی حرف زده می شود. پیش از آن علاوه بر اینکه رسانه ها به گستردگی امروز وجود نداشته است، اعمال محدودیت و کنترل بر رسانه نیز یک امر عادی بوده است و به رسانه های منتقد فرصت ظهور داده نشده است.

یک و نیم دهه ی اخیر، رشد رسانه ها در افغانستان به عنوان یک دست آورد حکومت به شمار می رود. رسانه ها در این دوره، توانسته اند جایگاه ویژه ی در بین مردم افغانستان بخود اختصاص بدهند و

چالش های مدیریت توسعه پایدار در افغانستان

رضا احسانی



پذیرفته شده تلقی می شود و سیاستگذاران در قبال عملکرد خود مسؤلل دانسته می شوند. فقدان پاسخگویی سبب غیر شفاف شدن امور، کاهش اعتماد، تدوین و اجرای سیاست های نامطلوب و استفاده نادرست از منابع اقتصادی می گردد. در افغانستان اصل پاسخگویی یا به کلی نادیده گرفته می شود و یا به شکل نمایشی و دروغین نشان داده می شود.

توسعه مردم محور توسعه به شمار می آید. مردم از یک طرف از مزایای توسعه منتفع می شوند و از سوی دیگر مردم مؤلفه های اصلی توسعه را تشکیل می دهند. مردم با عضویت در گروه ها، انجمن ها، اتحادیه ها، احزاب و یا از طریق رسانه ها و یا شرکت در انتخابات در پروسه های ملی سهم می گیرند. در حالی که مدیریت توسعه به نهادهایی که دسترسی مردم را به مشارکت به روند توسعه تسهیل کنند، نیازمند می باشند؛ اما روند مشارکت برابر، فعال و تأثیر گذار مردم در روند توسعه هنوز در کشور ما بخصوص از جانب حکومت مورد پذیرش قرار نگرفته است.

در افغانستان رفتارها و عملکردها اغلب بیرون از مجرای قانونی شکل می گیرند و به این خاطر نه روند جامعه قاعده مند و پیش بینی پذیر می باشند و نه همگونی و انسجام در بخش های اجرایی مشاهده می شود. همه چیز بر مبنای سلاقی، فشار، باند بازی، تعلقات قومی و سمتی به پیش می رود و قانون و مقررات دولتی در حاشیه تصمیم گیری ها قرار می گیرد.

مسئله مهم دیگری که در مدیریت توسعه نقش مهم ایفا می کند؛ اما در افغانستان به آن کمترین اهمیتی داده نمی شود، موضوع شفافیت است. شفافیت به گونه ای با موضوع قانونگرایی و پاسخگویی نیز ارتباطی می گیرد. وقتی حکومت خارج از مجرای قانونی تصمیم بگیرد، کوشش می کند آن عملش را پنهان سازد. ممنوعیت و محدودیت دسترسی مردم به اطلاعات و معلومات دولتی ناشی از ترسی اسامت که از افشای رفتارهای غیر قانونی مقامات دولتی وجود دارد، عدم شفافیت در افغانستان از یک طرف سیاست های عمومی را با ایهام روپرو کرده است و از سوی دیگر فساد را عمق بخشیده است.

بنابراین تا زمانی که ظرفیت حکومت برای توسعه عادلانه ارتقاء پیدا نکند و عوامل به وجود آورنده بی اعتمادی و کاهش سطح مشارکت، شناسایی و از بین برده نشود و رفتارهای مقامات بر مبنای قانون تنظیم نگردد و نگرش های قومی و سمتی و... به تفکرات عام و فراگیر ملی تبدیل نشود، مدیریت سالم برای دسترسی به توسعه به وجود نخواهد آمد.

توسعه به صورت متوازن در نظر گرفته می شود، با توزیع نقش ها و کارکردها از تمرکز قدرت جلوگیری می گردد و با توزیع فراگیر و عادلانه امکانات و فرصت های دولتی، احساس تبعیض و محرومیت از جامعه ریشه کن می شود. رشد اقتصادی، سبب ایجاد شکاف و حشنتاک طبقاتی و به وجود آوردن روابط ظالمانه در جامعه نمی گردد، قرار می گیرد، حقوق زنان رعایت می شود و فرصت های لازم برای امورات زبستی و رفاهی ایجاد می گردد. حکومت به صورت واضح و قاطع از رشد نامتوازن، ناهمگون و ناهماهنگی که شکاف اقتصادی و اجتماعی را به دنبال داشته باشد و قطب بندی های جدیدی را در جامعه به وجود آورد، جلوگیری می کند.

مدیریت سالم به طور تصادفی به وجود نمی آید؛ بلکه مدیریت مؤسقی به قواعد نظام مند و برنامه ریزی دقیق نیازمند می باشد. مدیریت کارا حاصل فرایند برنامه ریزی خوب، سرمایه گذاری سودمند، مشارکت کارآمد و تصمیم سازی منطقی و معقول است. تا زمانی که ایسن پارامترها تحقق پیدا نکند، مدیریت سالم توسعه نیز شکل نخواهد گرفت.

وقتی انسان معیارها و پیش نیازهای مدیریت توسعه را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد به این درک می رسد که افغانستان تارسیدن به این وضعیت باید راههای طولانی و پربهخ و خمی را طی کند. زیرا در مدیریت عمومی کشور حتا یک مؤلفه از مؤلفه های مدیریت توسعه قابل مشاهده نمی باشد. در مدیریت توسعه اصل پاسخگویی حکومت به مردم یک مسئله عادی و

و مدیریت سالم، در مسیر توسعه قرار می گیرد و چگونگی تعامل و همکاری میان دولت، سازمان های اجتماعی و بخش های خصوصی بر اساس قانون و معیارهای مشخص شکل می گیرد. شهروندان عادی هم می توانند رابطه خود را با دولت به گونه بهتر و مطلوبتر تنظیم نمایند.

شهروندان در چنین جوامعی به نیکی می دانند که به عنوان عضو جامعه از کدام حقوق و مزایای برخوردار می باشند و چه تکالیف، مسؤلیت ها و وظایفی در قبال دولت و جامعه به عهده دارند. بر همین اساس شهروندان به صورت روشن و واضح می توانند از طریق نهادهای واسطه ای مانند احزاب، جامعه مدنی و رسانه ها خواست ها، مشکلات و آرزوهای خود را مطرح کرده و از حکومت پاسخ دریافت کنند. شهروندان چون خود شان را در فرایند توسعه شریک می دانند، لذا سعی می کنند در اطاعت پذیری از حکومت پیشگام باشند و در حل مشکلات و رفع نارسایی ها با حکومت کمک نمایند. با این وصف شهروندان برای حفظ

نظم، رعایت قانون و تأمین عدالت یا به پای دولت و سایر نهادهای اجتماعی و اقتصادی تلاش می کنند. پس یکی از ویژگی های برجسته مدیریت توسعه این است که تمام بخش های جامعه از حقوق و مسؤلیت های خود آگاه اند و مرزهای حقوق و تکالیف خود را می شناسند. از اینرو در جوامعی که از مدیریت سالم توسعه برخوردارند، همه بخش های اجتماعی، سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی فعال بوده و با تعامل سازنده با یکدیگر در نهادهای سازی فرایند قانونگرایی، مشارکت جویی و شفافیت در مسیر توسعه و پیشرفت تلاش می کنند. در مدیریت توسعه همه امور مربوط به

گردیده و امکان زیست بهتر در جامعه را با مانع مواجه می سازد. در کشوری که یکی از سه مؤلفه فوق ضعیف و یا بیش از حد قدرتمند باشد، مسیر رشد و توسعه بدون شک با تنگناها و دشواری های زیاد روبرو می شود.

دولت ضمن این که در کارکردهای باید اصل انصاف، عدالت و امنیت را در نظر بگیرد، با ترویج فرایند قانونگرایی در جامعه، تدوین سیاست های مشخص و عقلانی برای تنظیم امور اقتصادی، توسعه اجتماعی و تأمین امنیت فیزیکی و روانی اعضای جامعه، محیط سالم و مساعد سیاسی و امنیتی را برای مدیریت توسعه پایدار به وجود آورد.

جامعه مدنی و سازمان های اجتماعی از طریق سازماندهی اجتماعات، آموزش و آگاهی شهروندان، بسیج گروه های اجتماعی برای مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی و حمایت از همبستگی و وحدت ملی و ترویج فرهنگ تعامل و همپذیری گروه های اجتماعی در تقویت مدیریت توسعه نقش ایفا می کند.

بخش های خصوصی نیز با نقش آفرینی در عرصه های تولید درآمد و ایجاد اشتغال، توسعه منابع انسانی، ارایه خدمات گوناگون برای اعضای جامعه و تدوین معیارهای لازم برای تعامل، هماهنگی و همکاری، بنیاد رشد و توسعه اقتصادی در جامعه را شکل می دهند.

بنابراین مدیریت سالم توسعه در اثر تعامل و تجمع این سه عامل در بخش های سیاسی و اقتصادی امکان پذیر می گردد، مجموع کارکردهای عناصر و عوامل فوق معیارهای زندگی یک جامعه پیشرو و مسؤلیت پذیر را ایجاد می کنند. وقتی یک کشور در پرتو حکومنداری خوب

کارتون روز

افغانستان - ترکستان



بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسول وب سایت: غلام عباس اسلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان ما The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Magazine